

دوره اول سلطنت امیر شیرعلی خان

از ۱۲۷۸ تا ۱۲۸۳ (مطابق ۱۸۶۲ تا ۱۸۶۶ م)

امارت امیر محمد افضل خان ۱۲۸۳ تا ۱۲۸۴

امارت امیر محمد اعظم خان ۱۲۸۴ تا ۱۲۸۵

دوره دوم سلطنت امیر شیرعلی خان

از ۱۲۸۵ تا ۱۲۹۶ (۱۸۶۸ تا ۱۸۷۸ م)

سردار شیرعلیخان یکی از پسران امیر دوست محمد خان که مادرش خدیجه دختر حاجی رحمت الله خان پوپلزائی بن حاجی دریا خان وزیر عصر شاه شجاع بود بعد از وفات امیر دوست محمد خان بتاريخ روز جمعه ۲۲ ذی حجه ۱۲۷۹ در هرات پادشاهی رسید و در مسجد جامع هرات بیعت مردم بوی آغاز یافت.

همای دولت پابند و قسمت از لیست

وصی دوست محمد امیر شیرعلی است

امیر شیرعلی خان بحیث وارث تخت و تاج پدر پادشاهی خود را اعلان کرد ولی برادران او چه آنانی که درین فرصت در هرات بودند و چه آنانی که در ولایات افغانستان حکومت و جاگیر داشتند هر کدام به نحوی خود را ذیحق دانسته و بفتحوای نیات باطنی به تک و پو افتادند. شرح مخالفت برادران و برادرزاده گان امیر که داستانی است طولانی و از نظر مصالح مملکت بسیار رقت انگیز از چو کات مرام این اثر بیرون است درین میان فعالیت های سردار محمد اعظم خان و سردار محمد افضل خان و سردار محمد امین خان و پسران سردار محمد افضل خان (سردار عبدالرحمن خان) و سردار محمد امین خان (سردار محمد اسماعیل خان) بیشتر جلب نظر میکنند.

کابل و بالا حصار که حلقه اساسی تحقیقات این اثر را تشکیل میدهد درین فرصت در دست سردار محمد علی خان پسر امیر شیرعلی خان بود که بحیث حاکم در اینجا و نقاط ماحول آن حکومت میکرد و امیر شیرعلی خان به او به حوزه حکومت او امید واری زیاد داشت.

کابل از امیر شیرعلی خان بحیث پادشاه و جانشین امیر دوست محمد خان استقبال گرمی بعمل آورد ولی به نحوی که اشاره کردیم فعالیت های برادران و برادرزاده گانش چه در جنوب (علاقه زرمتم و کرم) چه در شمال (صفحات شمال هند و کش)

چه در جنوب غرب (قندهار و قلات) امیر را طوری مشغول ساخت که با تمام آرزوهای پیش روی مصدر کار حسابی شده نتوانست و حتی در اثر همین مخالفت‌های خاندانی در اثر گشته شدن پسر و برادر عینی اش سردار محمد امین خان و سردار محمد علیخان در زیر نظرش در میدان کجج باز طور صدمه روحی برداشت که از امور کشورداری دست کشید و در گوشه‌ئی در قندهار منزوی شد.

ازین روز به بعد فعالیت های برادران و برادرزاده گان امیر شدت یافت و تار و زیکه مجدداً به تخت امارت بی‌الاحصار کابل میرسد یک دوره تقریباً سه و نیم ساله سپری میشود که برخی ماخذ آنرا بصفت (دوره فتور) یاد کرده اند و در طی آن در حالیکه امیر شیر علی خان ابتدا منزوی و بعد در فعالیت بین قندهار و هرات و قلات دیده میشود اول سردار محمد افضل خان و بعد سردار محمد اعظم خان یکی بعد وفات دیگری در اثر تشبثات خود و خصوصاً در اثر فعالیت‌های خستگی ناپذیر سردار عبدالرحمن خان بن سردار محمد افضل خان به امارت کابل میرسند و دوره پادشاهی اینها ولو بسیار کوتاه و مختصر بود باز هم در ذیل امیران خاندان محمد زائی جا میگیرند.

امارت دوم امیر شیر علی خان از ۱۲۸۵ تا ۱۲۹۶ ده سال کامل دوام میکنند و نسبت به دوره اول امارت به مراتب مجال اجرای یک سلسله کارهای مهم ملکی و نظامی و اجتماعی و فرهنگی و عمرانی به اوردست میدهد که امارت وی را از امارت سایر شاهان و دودمان محمد زائی متمایز میسازد.

امیر شیر علی خان آرزوی کار و آرزوی خدمت گذاری بسیار داشت و بسا کارهای مفید هم انجام داد ولی از داخل و از نفس خاندان آن مصیبت‌های خاندانی پیوسته بروی فشار آورده رفت. وفات ناپهنگام ولیعهد عبداله خان داغ گشته شدن سردار محمد علیخان را تازه کرد و مخالفت ها و بی اطاعتی های پسر بزرگش سردار محمد یعقوب خان و حبس و توبیخ او و پسر او را روح آزر میداد. سیاست‌های رقابت امیر یسگانگان، نقشه‌های مخفی سیاست فارورد پالیسی انگلیس و عدم اعتماد آنها از یکطرف و تظاهر میان تهی دوستی روسیه اتزاری از جانب دیگر امیر را در یکنوع خلاء سیاسی وارد کرد که بدون صواب دید و مصلحت جوئی اعیان و کابینه و رجال معتمد با اینکه قدرت نسبتاً کافی برای مقابله پیش آمدهای احتمالی در دست داشت با لایحه در سال ۱۲۹۶ در اثر خبر تمرکز و تجاوز قوای فرنگی از سرحدات پسرش سردار محمد یعقوب خان را که فشا و حبس سیاه‌خانه کوفته و خسته و کم بین ساخته بود رها ساخته بکابل گذاشت